

شرکت‌های  
معدنی  
که قرارداد  
می‌بندند،  
معمولاً متعلق  
به افراد مرتبط  
بامقامات  
سیاسی، از  
جمله در  
بسیاری از موارد  
نمایندگان  
مجلس، اعضای  
خانواده‌های  
آنها،  
همکارانشان و  
صاحبان قدرت  
بادسترسی به  
گروه‌های مسلح  
و شبکه‌های آنها  
هستند

می‌شود، هرچند برخی دستورالعمل‌های کلی برای مواد معدنی مختلف وجود دارند. علاوه بر این براساس قانون مالیات بردرآمد کشور شرکت‌های معدنی نیز مانند سایر مشاغل ملزم به پرداخت مالیات بر سود خود هستند. وظیفه نظارت بر پرداخت حق امتیازها به عهده وزارت معادن و نفت است، در حالی که مالیات بر سود شرکت‌ها را اداره عواید افغانستان دریافت می‌کند و صدور مجوزها و هزینه‌های صادرات به عهده وزارت تجارت و صنعت (MOCI) است.

به هر حال مفاد قراردادهای معدنی در اکثر موارد رعایت نمی‌شوند و غالباً بهره‌برداری تجاری قابل توجهی در طول مرحله اکتشاف (که اغلب تمدید می‌شود) با پرداخت ناچیز حق امتیاز و مالیات به دولت اتفاق می‌افتد. سوءاستفاده به شیوه‌های مختلف و در تمام مراحل فرایند رخ می‌دهند: در صدور مناقصه‌ها (اغلب به نفع برخی از احزاب)، در بررسی و تهیه فهرست نهایی از درخواست‌های دریافتی (با توجه به نفوذ سیاسی)، در طول فرایند مناقصه و ارزیابی پیشنهادها (مناقصه‌های برنده اغلب براساس وعده‌های بسیار غیرواقعی حق امتیازها تعیین می‌شوند)، از طریق دور زدن ممنوعیت قانونی علیه رهبران سیاسی و مقامات دولتی درگیر فعالیت‌های معدنی، عدم انجام بررسی‌های اثرات زیست محیطی و اجتماعی و رعایت نکردن مقررات ایمنی معدن، سوءاستفاده از دوره اکتشاف برای بهره‌برداری تجاری، تغییرات قبلی در قراردادها به نفع شرکت مربوطه و عدم تحویل حق امتیاز مقرر به دولت یا پرداخت مالیات بر سود فعالیت‌های معدنی (۲).

شرکت‌های معدنی که قرارداد می‌بندند، معمولاً متعلق به افراد مرتبط با مقامات سیاسی، از جمله در بسیاری از موارد نمایندگان مجلس، اعضای خانواده‌های آنها، همکارانشان و صاحبان قدرت بادسترسی به گروه‌های مسلح و شبکه‌های آنها هستند. (۳) مالکیت سودمند شرکت‌های معدنی - یعنی اینکه چه کسی در منافع سهام است - معمولاً مخفی می‌ماند، مخصوصاً موقعی که سهامداران کسانی هستند که طبق قانون اجازه ندارند با دولت قرارداد ببندند (همان‌طور که در مورد نمایندگان مجلس چنین بود) (۴) این الگوهای مالکیت به راحتی صاحبان قدرت و شبکه‌های آنها را قادر می‌سازد تا در عواید استخراج مواد معدنی سهام شوند و در عین حال از پرداخت مالیات و حق امتیاز دولت طبق قراردادها طفره برونند.

استخراج و صادرات بی‌رویه مواد معدنی احتمالاً در سال به صدها میلیون دلار می‌رسد، اما عواید دولت از منابع معدنی کشور بسیار اندک است و حق امتیازی که به وزارت معادن و نفت تعلق می‌گیرد، تنها ۱۰۱ میلیارد افغانی (معادل ۱۶ میلیون دلار) در سال ۲۰۱۶ بود. (۵) بنابراین غارت توصیف دقیقی از اتفاقی است که در حال حاضر در بهره‌برداری‌های معدنی افغانستان روی می‌دهد و هزاران و بلکه ده‌ها هزار تن در سال - و در برخی موارد حتی بیشتر از این - را شامل می‌شود و لذا عادت در مقیاس صنعتی توصیف مناسبی برای آن است.

واژه غارت (loot) در اواخر قرن هجدهم از زبان هندی وارد زبان انگلیسی شد. ریشه این واژه را می‌توان در زبان سانسکریت جست‌وجو کرد. در فرهنگ لغات،

## منابع قابل غارت: تعریف و مفاهیم